



۲۰۱۹/۰۶/۰۶



داکتر میر عبدالحسب

## ادامه یا پایان کار رییس جمهور در پرتو قانون اساسی

با توجه به نبود کارشناسی و تحلیل جامع حقوقی از سوی مراجع معتبر و مستقل پژوهشی در امور حقوقی و سکوت احکام قانون اساسی افغانستان در مواردی چون تأخیر انتخابات و مرجع تفسیر احکام قانون اساسی در زمینه بررسی وضعیت پیش آمده، اینک نیاز مبرم دانسته می شود تا به تحلیل وضعیت پیش آمده از منظر قانون اساسی و سایر قوانین نافذ در افغانستان پرداخته شود.

در ابتدا، بر اساس فقره دوم ماده ۶۱ قانون اساسی، «وظیفه رییس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان می یابد» در این فقره دیده میشود که اول جوزای سال پنجم به طور انتزاعی تصریح نشده است بلکه موضوع برگزاری انتخابات نیز مهم دانسته شده است و بلافاصله بعد از تصریح موعد معینه (اول جوزای سال پنجم) در این فقره، موضوع انتخابات نیز آمده است. به عبارت دیگر به همان اندازه ای که موضوع رعایت اول جوزای سال پنجم مهم است، موضوع رعایت پایان کار رییس جمهور بعد از انتخابات به هدف نفی هر نوع خلای قدرت و یا طرح دیگری چون حکومت موقت، نیز از منظر قانون اساسی ارزنده است.

ثانیاً، طبق فقره سوم ماده ۶۱ قانون اساسی، موعد برگزاری انتخابات در خلال ۳۰ تا ۶۰ روز قبل از پایان کار رییس جمهور پیشبینی شده است. هر نوع تأخیر در انتخابات، نقض صریح این فقره از احکام قانون اساسی محسوب می گردد. البته نیاز است تا عوامل متعددی مبنی بر تأخیر انتخابات نیز باید در چند سناریو به طور جداگانه مورد بررسی حقوقی قرار گیرند:

سناریوی اول: در صورتی که تأخیر در انتخابات، ناشی از کند کاری رییس جمهور و یا اعضای کمیسیون انتخابات باشد، در این صورت، رییس جمهور به نقض فقره اول ماده ۶۴ قانون اساسی، مرتبط به مراقبت از اجرای قانون اساسی متوسل شده است که در عرصه ضمانت اجرایی آن نیز قانون اساسی سکوت اختیار کرده است و به فرع آن مسوولیت حقوقی اعضای کمیسیون نیز پا برجا است.

سناریوی دوم: عامل دیگر تأخیر در انتخابات میتواند ناشی از مشکل در نفس موعد تعیین شده مندرج در فقره سوم ماده ۶۱ قانون اساسی - همانا اول جوزا - برای پایان کار رییس جمهور بعد از انتخابات است که از نظر فنی و تخنیکی شروع آمادگی های کمیسیون برای انتخابات در خلال ۳۰ الی ۶۰ روز قبل از پایان کار رییس جمهور، مصادف به اواخر فصل سرما و اوایل فصل بهار می باشد و در این فصول، اتخاذ آمادگی ها از نظر تخنیکی و فنی در اکثر مناطق دوردست و سردسیر برای کمیسیون انتخابات غیر مقدور است. بناً، قانون اساسی در مطابقت با مقتضیات جغرافیایی کشور نیاز مبرم به تعدیل در رابطه به موعد برگزاری انتخابات به جای اول برج جوزا به اول برج اسد یا برج سنبله در مطابقت با احکام قانون اساسی در آینده دارد.

سناریوی سوم: در صورتی که تأخیر در انتخابات، طبق فقره اول ماده ۱۰۴ قانون انتخابات ناشی از ملاحظات چون اوضاع امنیتی، حوادث و آفات طبیعی یا حالات مماثل آن همچو (عدم امکان برگزاری انتخابات بنا بر اوضاع جوی کشور و یا دسترسی نداشتن به مناطق دوردست به دلیل سردی هوا) که در نتیجه، اصل نمایندگی عمومی و عادلانه بودن را در تدویر انتخابات ناممکن سازد و یا این که به مشروعیت مراحل انتخابات صدمه رسانند، میتوان به مکانیزم پیشبینی شده در قانون انتخابات مبنی بر تعویق و تعلیق انتخابات طبق همان فقره ماده ۱۰۴ به شیوه ای که تصریح شده است، توجه نمود. در این مکانیزم پیشنهاد از طرف کمیسیون با تایید کمیته ای متشکل از رییس و اعضای شورای امنیت، رییسان مجلسین شورای ملی، رییس استرزه محکمه و رییس کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی با اکثریت آراء، به تمدید موعد انتخابات برای چهار ماه و در صورت نیاز به ادامه آن برای چهار ماه دیگر اقدام شود.

ثالثاً، بر اساس احکام قانون اساسی، استرزه محکمه مرجع تفسیر قانون اساسی پیشبینی نشده است. صلاحیت تفسیر قانون اساسی را هم ندارد و قانون اساسی نیز در این زمینه ساکت است. ضمناً، از یک جانب اقدام اخیر استرزه محکمه نمی تواند احکام قبلی مشابه را در دوران حکومت های قبلی که در نفس خویش مناقض روح و نص قانون اساسی بوده اند، به مثابه ی رویه قضایی ملاک قرار داده و به تمدید کار رییس جمهور دوباره استناد کند. منطق آن این است که بر اساس قواعد فقهی، هر آنچه بر باطل یا فاسد بنا شود، باطل یا فاسد است. ولی از جانب دیگر دخالت استرزه محکمه در دو مورد طبق احکام قانون اساسی در وضعیت پیش آمده نیز تا حدی مقدور است:

سناریوی اول: طبق ماده ۱۲۱ قانون اساسی، استرزه محکمه می تواند به بررسی مطابقت و تفسیر قوانین عادی و فرامین تقنینی در روشنایی احکام قانون اساسی بنا بر تقاضای حکومت بپردازد. به طور مثال در رابطه به ماده ۱۰۴ فوق الذکر در قانون انتخابات مبنی بر تعویق و تعلیق در برگزاری انتخابات و یا هم در صورت نیاز به صدور فرمان تقنینی از سوی رییس جمهور مبنی بر ادامه ی کارشان، استرزه محکمه میتواند با تقاضای حکومت در مطابقت با ماده متذکره قانون اساسی اقدام کند.

سناریوی دوم: استرزه محکمه نیز در موارد نادر می تواند طبق ماده ۱۲۰ قانون اساسی منحصی دعوی میان کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری (به طور انفرادی یا جمعی) به مثابه ی اشخاص حقیقی و دولتی به مثابه ی شخص حکمی به این موضوع رسیدگی کند. البته کاربرد آن بیشتر در مواردی چون مداخله مستقیم و یا غیر مستقیم در امور انتخابات و سوء استفاده از دارایی ها، تسهیلات و منابع دولت به نفع کاندیدای مشخص (چون رییس جمهور و رییس اجرایی) طبق فقره اول و دوم ماده ۱۰ قانون انتخابات متصور است.

در نهایت با در نظر داشتن شرح فوق، بر اساس نصوص و روحیه قانون اساسی و سایر قوانین نافذ افغانستان و قواعد فقهی یاد شده، از یک جانب موضوع خلای قدرت برای طرح ایجاد حکومت موقت منتفی و از جانب دیگر، ادامه ی کار رییس جمهور توأم با مسوولیت شان در قبال مردم مبنی بر نقض و مراقبت درست از اجرای قانون اساسی در زمینه ی برگزاری به موقع انتخابات می تواند، منجر به تحدید صلاحیت های قانونی شان در موعد باقی مانده گردد.

علاوتم، با تعديل و تعيين مرجع تفسير قانون اساسي، پيشبيني راه حل در مورد تاخير انتخابات در قانون اساسي و گردآوري شرح تسويد قانون اساسي مانند ساير کشورها به مثابه‌ي کلید راهنما در همچو وضعيت‌هاي پيش آمده، ميتواند خلای موجود در آینده را رفع کند.

